

بمباران سفارت بریتانیا در رم، ۱۹۴۶: عملی جسورانه از خشونت سیاسی

در تاریخ ۳۱ اکتبر ۱۹۴۶، انفجاری مهیب سفارت بریتانیا در پورتا پیا در رم را لرزاند و تشدید قابل توجهی را در کارزار خشونت سیاسی که توسط ایرگون زوای لنومی، گروه شبه نظامی صهیونیستی تجدیدنظرطلب، هدایت می شد، رقم زد. این حمله تروریستی، اولین مورد از نوع خود توسط ایرگون علیه پرسنل بریتانیایی در خاک اروپا، عزم این گروه را برای به چالش کشیدن سیاست های بریتانیا که مهاجرت یهودیان به فلسطین تحت قیمومت را محدود می کرد، برجسته کرد. این بمباران دو نفر را زخمی کرد، خسارات جبران ناپذیری به بال مسکونی سفارت وارد آورد و موجی از شوک را در جامعه بین المللی ایجاد کرد و دامنه جهانی مبارزه یهودیان فلسطین را به نمایش گذاشت.

پیش زمینه: ایرگون و مبارزه برای فلسطین

ایرگون، به رهبری مناخم بگین، سازمانی نظامی بود که به تأسیس یک دولت یهودی در فلسطین متعهد بود. این گروه در دهه ۱۹۳۰ تشکیل شد و از هاگانا، که رویکرد معتدل تری داشت، جدا شد و خواستار مقاومت مسلحانه علیه حاکمیت بریتانیا بود. کتاب سفید بریتانیا در سال ۱۹۳۹، که مهاجرت یهودیان به فلسطین را به شدت محدود کرد، نقطه عطفی برای ایرگون بود، به ویژه با توجه به اخبار هولوکاست که نیاز فوری به یک وطن یهودی را تأکید می کرد. از سال ۱۹۴۴، تحت رهبری بگین، ایرگون کارزار خشونت خود را از سر گرفت و تأسیسات بریتانیایی را هدف قرار داد تا تغییر سیاست را اجبار کند.

سفارت بریتانیا در رم به عنوان هدف انتخاب شد زیرا ایرگون معتقد بود که این مکان مرکز «توطئه های ضد یهودی» است که مهاجرت غیرقانونی یهودیان (علیا بت) به فلسطین را مانع می شود. در آن زمان، هزاران پناهجوی یهودی، که بسیاری از آن ها بازماندگان هولوکاست بودند، در اردوگاه های آوارگان در سراسر اروپا، از جمله ایتالیا، اسکان داده شده بودند، جایی که ایرگون زمینه مساعدی برای جذب نیرو پیدا کرد.

حمله: برنامه ریزی و اجرا

بمباران توسط عملیاتی های ایرگون با دقت برنامه ریزی شد، که شبکه ای در ایتالیا با حمایت گروه های مقاومت ضد فاشیستی محلی و اعضای جنبش جوانان بتار، یک سازمان صهیونیستی تجدیدنظرطلب، ایجاد کردند. در مارس ۱۹۴۶، اعضای ایرگون، از جمله پناهجویانی مانند دوو گورویتز و تیپورزیو دیتل، دفتری پوششی در خیابان سیسیلیا در رم، نزدیک به دفاتر اطلاعاتی متفقین، برای هماهنگی عملیات ها راه اندازی کردند. همچنین دو مدرسه آموزش کماندو در تری کاسه و لادیسپولی برای آماده سازی نیروها برای مأموریت های خرابکارانه تأسیس شد.

در شب ۳۱ اکتبر ۱۹۴۶، عملیاتی های ایرگون به دو گروه تقسیم شدند. یک گروه صلیب شکسته بزرگی را بر دیوار کنسولگری بریتانیا نقاشی کرد، عملی تحریک آمیز که قصد داشت سیاست های بریتانیا را با سرکوب نازی ها برابر نشان دهد. گروه دوم دو چمدان حاوی ۴۰ کیلوگرم تی ان تی، مجهز به تایمر، را بر پله های ورودی اصلی سفارت در خیابان وی آ XX ستمبر قرار

داد. یک راننده چمدان‌های مشکوک را مشاهده کرد و وارد ساختمان شد تا آن‌ها را گزارش دهد، اما مواد منفجره قبل از هر اقدامی منفجر شد و خسارات قابل‌توجهی به بار آورد. بخش مسکونی سفارت غیرقابل تعمیر تخریب شد، اما خوشبختانه تنها دو نفر زخمی شدند. سفیر نوئل چارلز، هدف اصلی، در مرخصی بود و از این حمله جان سالم به در برد.

پیامدها: تحقیقات و دستگیری‌ها

این حمله به سرعت به شبه‌نظامیان خارجی از فلسطین تحت قیمومت نسبت داده شد. تحت فشار دولت بریتانیا، پلیس ایتالیا، کارابینیری و نیروهای متفقین عملیاتی را علیه اعضای بتار و پناهجویان یهودی مظنون به ارتباط با ایرگون آغاز کردند. سه مظنون اندکی پس از بمباران دستگیر شدند و دو نفر دیگر در ۴ نوامبر دستگیر شدند. در دسامبر، با کشف یک مدرسه خرابکاری ایرگون در رم، پیشرفت قابل‌توجهی حاصل شد و مقامات تپانچه‌ها، مهمات، نارنجک‌های دستی و مواد آموزشی را ضبط کردند. از جمله دستگیرشدگان دوو گورویتز، تیپورزیو دیتل، مایکل براون، دیوید ویتن و یک عملیاتی کلیدی به نام تاوین بودند.

یکی از دستگیرشدگان برجسته، اسرائیل (ژئف) اپشتین، دوست دوران کودکی مناخم بگین، بود که در ۲۷ دسامبر ۱۹۴۶ تلاش کرد از بازداشت فرار کند، اما در این تلاش کشته شد. بریتانیایی‌ها خواستار استرداد مظنونان به اردوگاه‌های زندانی در اریتره شدند، اما همه منتقل نشدند. تا دسامبر ۱۹۴۶، پنج نفر از هشت دستگیرشده آزاد شدند و اتحادیه آمریکایی برای فلسطین آزاد ابراز امیدواری کرد که زندانیان باقی‌مانده نیز آزاد شوند.

مقامات ایتالیایی، که در ابتدا گیج شده بودند، نظریه‌های جایگزین را نیز بررسی کردند. برخی روزنامه‌های ایتالیایی درباره «تروریست‌های صهیونیست» گمانه‌زنی کردند، ادعایی که دکتر اومبرتو ناخون از آژانس یهودی در ایتالیا به شدت رد کرد و استدلال کرد که یهودیان انگیزه‌ای برای چنین عملی نداشتند و بریتانیایی‌ها دشمنان جهانی زیادی داشتند. اسناد آرشیوی از سال ۱۹۴۸ بعداً شک‌هایی را درباره دخالت حزب کمونیست ایتالیا نشان داد، اگرچه هیچ مدرک قطعی این نظریه را تأیید نکرد.

تأثیر و میراث

بمباران پیامدهای گسترده‌ای داشت. این اقدام ترس‌هایی را که دیوید پتری از MI5 در ماه مه ۱۹۴۶ درباره گسترش تروریسم یهودی فراتر از فلسطین بیان کرده بود، تأیید کرد. این حمله بریتانیایی‌ها را تحقیر کرد و ایتالیا را وادار به اعمال کنترل‌های سخت‌گیرانه‌تر مهاجرتی و مهلت ثبت‌نام برای پناهجویان تا ۳۱ مارس ۱۹۴۷ کرد. عملیات‌های ایرگون در ایتالیا مختل شد و آن‌ها را مجبور کرد به سایر پایتخت‌های اروپایی نقل مکان کنند، جایی که حملات خود را ادامه دادند، مانند بمباران هتل ساخر در وین، مقر نظامی بریتانیا.

این بمباران همچنین روابط بریتانیا و ایتالیا را تحت فشار قرار داد و احساسات ضد یهودی را در بریتانیا دامن زد، زیرا افکار عمومی با جسارت این حمله دست‌وپنجه نرم می‌کرد. رهبران آژانس یهودی این بمباران را محکوم کردند و از تاکتیک‌های ایرگون فاصله گرفتند، اما این حادثه ماهیت تفرقه‌انگیز جنبش‌های مقاومت یهودی را برجسته کرد. مورخ ایتالیایی فوربو بیاگینی بعداً استدلال کرد که اقدامات جسورانه ایرگون، همراه با اقدامات لهی و هاگانا، به خروج نهایی بریتانیا از فلسطین در سال ۱۹۴۸ کمک کرد و تلاش‌های دیپلماتیک آژانس یهودی را تکمیل کرد.

زخم‌های فیزیکی این حمله باقی ماند. ساختمان سفارت، که در قرن نوزدهم توسط بریتانیایی‌ها خریداری شده بود، چنان آسیب دید که با ساختمانی جدید، طراحی شده توسط سر باسیل اسپنس و افتتاح شده در سال ۱۹۷۱، جایگزین شد. دولت ایتالیا اقامتگاه موقتی برای کارکنان سفارت در اقامتگاه سابق پرنسس زینایدا ولکونسکایا در سان جووانی فراهم کرد، که بریتانیا در سال ۱۹۵۱ به طور رسمی خریداری کرد.

نتیجه‌گیری

بمباران سفارت بریتانیا در رم در سال ۱۹۴۶ لحظه‌ای کلیدی در کارزار ایرگون علیه سیاست‌های استعماری بریتانیا بود. این اقدام توانایی گروه را برای نمایش قدرت فراتر از فلسطین و بهره‌برداری از آشوب پساجنگی اروپا برای پیشبرد اهدافش نشان داد. اگرچه این حمله موفقیت فوری محدودی داشت، اما آرمان صهیونیستی را در صحنه جهانی تقویت کرد و به فشارهایی کمک کرد که به تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ منجر شد. با این حال، این حمله همچنین پیچیدگی‌های اخلاقی و استراتژیک خشونت سیاسی را برجسته کرد و میراثی بحث‌برانگیز به جا گذاشت که همچنان موضوع بحث میان مورخان و سیاست‌گذاران است.